

بررسی اجمالی گسترش اعتباری در شرکت ها

محمد رضا صفری چاکری

کارشناسی ارشد گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد، سراب، ایران

mohamadrezasafari@gmail.com

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: تابستان ۱۴۰۱

واژگان کلیدی

گسترش اعتباری

سیستم بانکی

ریسک اعتباری

چکیده

مسائل اقتصادی و سرمایه گذاری یکی از مهم ترین مسائل مطرح شده در سطح دنیا هستند که باید بررسی مطالعه شوند در این بین گسترش اعتباری یکی از مهم ترین مولفه ها و فاکتور های اقتصادی کشور ها می باشد که مدیریت صحیح این امر باعث توسعه سرمایه گذاری و حتی کارافرینی و اشتغال میباشد که تحقق این امر باعث پیشرفت و رشد اقتصادی در سطح کلان میباشد. پژوهش حاضر با روش کتابخانه ای و مطالعاتی نسبت به مرور سطوح گسترش اعتباری میپردازد. در نهایت اهمیت و علل گسترش اعتباری بررسی میشود که مشخص میشود که اهمیت گسترش اعتباری تا چه اندازه زیاد است.

نحوه ارجاع به این مقاله:

صفری چاکری، محمد رضا. بررسی اجمالی گسترش اعتباری در شرکت ها، فصلنامه رهیافتی در مدیریت نفت و گاز، دوره ۳، شماره ۱۰، ص. ۱-۸، تابستان ۱۴۰۱.

۱. مقدمه

دقت تکنیک‌های روان سازی منحنی بازدهی در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری پیدا کرده است. به خصوص، فرم کاهش یافته ی روش مدل سازی قدرت کافی دارد که که احتمالات پیش فرض و حق بیمه نقدینگی (میزان زیادی و فراتر بودن گسترش اعتباری از ضرر موردانتظار) را از قیمت اوراق عرضه و قیمت های تبادل افول اعتباری، استخراج کند. در کاربرد عملی، دو روش برای انجام این برآورد و تخمین وجود دارد. روش اول، که دقیق ترین روش است، این است که از راه حل بسته برای گسترش های اعتباری پایان برداز در دل اعتبار نسبی استفاده کنیم و همچنین راه حلی برای پارامترهای مدل اعتباری پیدا کنیم که خطای قیمت گذاری مربع را برای اوراق قابل مشاهده یا تبادلات افول اعتباری، به حداقل می رساند (با فرض اینکه قیمت های قابل مشاهده "ارقام خوبی" هستند؛ موضوعی که بعداً به آن باز خواهیم گشت). این شکل از گسترش اعتباری مناسب، شامل هر دو جزئی می شود که ضررهای احتمالی از قصور در پرداخت بدهی و یک "حق بیمه نقدینگی" را در برمی گیرند. همچنین این روش امکان قابل تعمیم بودن مدل را فراهم می کند تا دقیقاً متناسب با داده های قابل مشاهده در بازار اوراق باشد؛ درست همان گونه که مدل های نرخ بهره و مدل ساختار زمانی (دمیرویک و همکاران، ۲۰۱۵).

روش دوم، که معمولاً در مطالعات دانشگاهی در زمینه گسترش اعتباری مورد استفاده قرار می گیرد، محاسبه گسترش های اعتباری در یک «مدل اعتباری با مبنای مستقل» است تا بعداً بررسی شود که کدام مدل های اعتباری، دقیق ترین هستند (دمیرویک و همکاران، ۱۳۹۰).

۲. مرتبه ی گسترش و بخصوص گسترش اعتباری

همیشه گسترش پا به پای زندگی اشخاص و نهادها بوده است و تمام شرایط تصمیم گیری با یک گونه یا طیف متفاوتی از ریسک ها مواجه خواهد شد. در دسته بندی ریسک هایی که یک بانک یا موسسه اعتباری در دوران کاری خود با آن مواجه می شود (اصلی، ۱۳۹۰: ۳۴-۱). گسترش اعتباری، ریسک نشأت گرفته از کوتاهی در پرداخت، مرتبه‌ی خاصی دارد زیرا که به نخستین نقش بانک در اقتصاد یعنی جمع آوری سپرده و دادن وام ارتباط دارد. گسترش اعتباری از آن سو در موسسات پولی با اهمیت می باشد که سرچشمه‌های استفاده شده به منظور اختصاص، در واقع بدهی سازمان پولی به سهام داران مردم و بانک ها می باشد که در صورت نبود گردش نیز می توان اعتباردهی و هم قدرت ادای بدهی نهاد پولی به عنوان وام دهنده را ضعیف کند (اصلی، ۱۳۹۰).

ولی در اقتصاد کشورمان خیلی از علل غیر قابل تخمین بوده و تحت تأثیر خلق شده دگرگونی خواهد یافت. از این رو یک سرمایه گذار به منظور سرمایه گذاری حتی کوچک هم، بر مبنای تجربیات پیشین تا حد امکان مکانی برای این تحولات یا ریسک می گذارد؛ اما گاهی اوقات کل وضعیت اقتصاد بر پایه ی توقعات او محقق نمی شود و این مهم باعث می شود تا در خلال کار، او با عللی مواجه شود که ممکن است خردترین حدسی بر مبنای خلق آن نداشته و لذا دیگر توانا نیست به تعهدات خویش عمل کرده و از نظر بانک نیز مصرف کننده پذیرفته می شود که به تعهدات خود عمل نکرده و بانک را در دریافت سرچشمه‌های ذکر شده با سختی و در گاهی اوقات با ضرر روبرو می کند (اصلی، ۱۳۹۰).

در کشورمان در سالیان اخیر، مقوله‌ی ریسک و زیان های نشأت گرفته از آن، مورد تأکید نهادها و علی الخصوص سازمان های مالی قرار گرفته، ولی به رغم اهمیت آن قلمرو یکنواخت و هماهنگی به منظور اجرایی کردن مدیریت ریسک و مقیاس‌های دقیق به منظور مشخص کردن گسترش اعتباری وجود نداشته و رتبه بندی در کشورمان هم هنوز مرتبه‌ی خوبی ندارد که از دلایل اصلی این مقوله می توان به عللی مانند مسائل آموزشی، اقتصادی، فرهنگی، کمبود بانک‌های اطلاعاتی متمرکز و غیره اشاره کرد. از این رو بایستی تدبیری اتخاذ شده تا هم سرچشمه‌های مالی مورد نیاز تقاضاکنندگان حفظ شده و هم بانک عمده‌ترین وظیفه‌اش یعنی دادن تسهیلات را با کمترین ریسک امکان شده، انجام دهد. چرا که در وضعیت دگرگون امروز، اصولاً موفقیت هر موسسه ای بر تسلط آن بر انواع ریسک ها و گونه مدیریتی می باشد که بر گونه‌های ریسک ها اعمال می کند. البته در سالیان پیشین اقدامات مناسبی در این باره انجام گرفته است. بعد از مصوب شدن قانون برنامه‌ی تسهیلات داده شده و رساندن رسمی بخش نامه سیستم اندازه گیری اعتبار، تصویب شده هیأت وزیران در سال ۱۳۸۶، کمپانی مشاوره، درجه بندی اعتباری کشورمان که در ماه آبان سال ۸۵ شمسی با شرکت تمامی بانک‌های کشور و برخی از کمپانی های بزرگ بیمه و لیزینگ که با نظارت بانک مرکزی افتتاح شده بود، همچون موسسه ی مالی رتبه بندی اعتباری و اعتبارسنجی به سیستم

بانکی کشور معرفی شده که با آغاز اقدامات، همچون موسسه ی مرجع، نسبت به رتبه بندی اعتباری افراد واقعی و حقوقی و دادن گزارش هایی در این حوزه اقدام کرده است (اصلی، ۱۳۹۰).

آغاز اقدامات این کمپانی، اقدامی اثربخش در موازات کاستن مقدار مطالبات و مانع از دادن تسهیلات فاقد اعتبارسنجی تقاضا کننده می باشد. واضح است بانک ها می توانند از درجه های اعتباری که بوسیله ی این موسسه ابلاغ می شود برای اندازه گیری گسترش اعتباری مصرف کنندگانشان بر پایه ی استانداردهای جهانی استفاده کنند. البته بانک ها به موازات بکارگیری از درجات اعتباری کمپانی مشاوره رتبه بندی ایران، لازم است تا نظام رتبه بندی اعتباری داخلی مختص خودشان را هم خلق و یا نگهداری کنند و با در نظر گرفتن رتبه های اعتباری درونی و خارجی به مدیریت اثربخش سرچشمه های خود اقدام کنند (اصلی، ۱۳۹۰).

۳. پیشینه و رتبه ی گسترش اعتباری در بقیه ی کشورها

سنجش و درجه بندی گسترش اعتباری اولین بار در سال ۱۹۰۹ بوسیله ی موری روی اوراق بهادار انجام گرفت. از قدیمی ترین نهادهایی که به رتبه بندی اوراق بهادار، اقدام کرد موسسه ی موودیز می باشد که در سال ۱۹۰۹ میلادی شروع به کار کرد. تعدادی از صاحب نظران در آن هنگام متوجه شباهت زیاد برگه های بهادار و تسهیلات داد شده شدند و از این جهت سنجش ریسک عدم پرداخت اصل و سود تسهیلات را بررسی کردند (محمد رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶).

در حال حاضر حدود صد و چهل موسسه ی درجه بندی اعتباری در تمام دنیا، شایستگی اعتباری کمپانی ها و سازمان های مالی، برگه های بهادار کشورها، برگه های قرضه با پشتوانه دارایی، برگه های تجاری و سهام را مشخص می کنند. تعدادی از آن ها بیشتر از صد سال از به وجود آمدنشان می گذرد. این سازمان ها، تئوری های خود را در چارچوبی رتبه بندی انتشار می دهند. بانک های کشورهای غربی، از درجه بندی هایی که بوسیله ی سازمان های درجه بندی خارج از بانک انجام و به شکل رتبه ریسک برای هر کمپانی اعلام می شود، استفاده می کند.

سه موسسه ی اس اند پی، فیچ و موودیز، با اعتبارترین سازمان هایی می باشند که در وجه جهانی، گسترش اعتباری کمپانی های گوناگون را مورد سنجش و به شکل رتبه های ویژه عرضه می کنند. به علت پیشینه ی دراز و تیم آگاه به امور و خبره ای که این سازمان ها در استخدام خود دارند، درجات آن ها در سطح جهانی مورد قبول واقع شده و با اصالت می باشد. همچنین بیشتر سامان های اعتبار دهنده مانند بانک ها به دلیل سنجش مصرف کننده ی خود، از آن استفاده می کند (اصلی، ۱۳۹۰). ایضاً بر عکس رتبه بندی خارجی که بوسیله ی سازمان های ذکر شده انجام می گیرد، رتبه بندی درونی بوسیله ی بانک ها و بقیه ی موسسات اعتباری و مالی که به دادن تسهیلات به مصرف کنندگان، اقدام می کنند هم صورت می پذیرد. رتبه بندی اعتباری درونی بوسیله ی بانک ها کار نوینی می باشد که طول آن زیر ۱۰ سال است، هرچند ما آگاهی دقیقی درباره ی روش شناسی و چرخه ی رتبه بندی گسترش اعتباری موسسات ذکر شده و بانک ها نداریم، اما متغیرهای استفاده شده حکایت از آن دارد که گوناگونی چندانی در شیوه ی استفاده شده در موسسات ذکر شده وجود ندارد (محمد رحیمی و محمدی، ۱۳۸۶).

۴. محتوای گسترش اعتباری

از مهمترین علل ایجاد ریسک در بانک ها و سازمان های مالی، گسترش اعتباری می باشد. گسترش اعتباری را به شکل اتفاقات غیرمنتظره که بطور معمول به شکل گوناگونی در ارزش دارایی ها یا بدهی ها اتفاق می افتد هم می توان تعریف نمود. این ریسک از آن سو نشأت می گیرد که گیرندگان تسهیلات، مایل یا قابلیت بازپرداخت بدهی خود را به بانک نداشته باشند که از آن به نکول یاد می شود که هم معنی

ریسک اعتباری می باشد. در کل ۵ معیار سنتی زیر به صورت وسیع برای مشخص کردن اندازه ی گسترش اعتباری برای بانک ها وجود دارند (چن و پان، ۲۰۱۲):

الف) نسبت خواسته های سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول به تسهیلات داده شده.

ب) هر مقدار این نسبت زیادتر باشد، ریسک اعتباری موسسه هم زیادتر است.

ج) نسبت خواسته های سررسید گذشته، معوق و مشکوک الوصول به دارایی ها: زیاد شدن این نسبت در دو دوره، نشان دهنده ی زیاد شدن ریسک اعتباری می باشد.

د) نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به تسهیلات داده شده: زیاد شدن مقدار خواسته های مشکوک الوصول که به علت زیاد شدن خواسته های سررسید گذشته و معوق بوده و همچنین می تواند نشان دهنده ی زیاد شدن ریسک اعتباری باشد.

ه) نسبت ذخیره خواسته های مشکوک الوصول به تمام دارایی ها: زیاد شدن آن نشان دهنده ی ریسک و کم شدن آن نشان دهنده ی کم شدن ریسک است (چن و پان، ۲۰۱۲).

۵. علل موثر بر گسترش اعتباری

از دشواری هایی که سیستم بانکی کشورهای گوناگون و از جمله ایران با آن روبرو هستند، زیاد شدن تسهیلات غیر جاری و معوق در سیستم بانکی می باشد. این زیاد شدن که بیانگر گسترش اعتباری بانک ها می باشد، به کم شدن ارزش دارایی های کانال بانکی، ضایع شدن ارزش خاص بانک ها و به تبع آن کم ثباتی های مالی محتمل در آینده، منتج می شود. علل گوناگونی در به وجود آمدن و توسعه ی تسهیلات غیر جاری موثر می باشند که در ۲ دسته ی کلی برون و درون ارائه می گردند (مهرآرا و بهلولوند، ۱۳۹۵).

۶. علل برون سازمانی موثر در ایجاد گسترش اعتباری

چرخه های تجاری دارای نوساناتی می باشند که دوره های متوالی رونق و رکود تعریف می شوند. در خلال دوره ی آبادانی اقتصادی، با زیاد شدن تولید ملی، خانواده و بنگاه ها از جریان درآمدی و توان لازم به منظور تأمین بازپرداخت دین های و تعهدات خود بهره مند می باشند، از این رو گسترش اعتباری کمتر می شود. ولی در دوران رکود اقتصادی و با زیاد شدن نرخ بیکاری، جریان درآمدی خانواده ها کم شده و در نتیجه توان آن ها در بازپرداخت دین های بانکی کمتر می شود. از سمت دیگر در این دوران، از تولید کل و قیمت کالاها و همچنین از درآمد بنگاه ها کم شده و توانایی کمپانی ها در بازپرداخت بدهی های خویش به اعتباردهندگان کم می شود. از آن جهت که بانک ها، نهادهای سرویس دهی می باشند که مجهز و اختصاص سرچشمه ها و دادن تسهیلات به قسمت های گوناگون اقتصادی مبادرت می کنند، از این رو مقدار اقدامات بانکی هم کم شده و در نتیجه حاشیه سود بانک ها هم گرفتار ناپدید شدن می شود. از این رو رکود، کاستن حاشیه ی سود بانک ها و زیاد شدن خطر نقدینگی و گسترش اعتباری را برای نظام بانکی در پی دارد. افزون بر این، در اثنای دوران رکود در تعدادی موارد، ارزش وثیقه ها به مقداری کم تر از ارزش وام دریافتی کاسته می شود و این عامل باعث زیاد شدنی رغبت وام گیرندگان به منظور دوری از بازپرداخت وام هایشان را به دنبال دارد (کردیچ و پردل نوش آبادی، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

۷. علل درون سازمانی موثر در ایجاد گسترش اعتباری

در اثنای دههی پیشین، ارتقاهاهی در ادبیات کارکردهای بازارهای اعتباری صورت گرفته است. بیشتر این ارتقاها بر پایه ی مقوله ی اطلاعات نامتقارن می باشد. به شکلی که اظهار می شود، گیرنده ی قرض و دهنده ی آن امکان دارد محاسبه ی گوناگونی از اطلاعات مرتبط با خطر

پروژه داشته باشند. به دیگر سخن، از آن جهت که گیرنده ی قرض از بازده مورد توقع و خطر پروژه ی خویش و دهنده ی قرض فقط از میانگین بازده و خطر مورد توقع پروژه ها در مجموع اقتصاد مطلع است، از این رو در بازار اعتباری اطلاعات بدون تناسب وجود خواهد داشت. در این وضعیت، بانک ها و نهادهای مالی بطور معمول در اقدامات اعتباری خود با ۴ مقوله ی مهم مانند (۱) مشخص کردن گونه ی ریسک مرتبط با گیرنده ی وام، (۲) مطمئن بودن از اینکه گیرنده ی قرض، وام گرفته شده را صحیح مصرف کند. (۳) آموختن وضعیت اجرای پروژه در جایی که گیرنده ی وام، عدم توانایی خویش در بازپرداخت را اطلاع دهد و (۴) رسیدن به شیوه هایی به منظور اجبار گیرنده ی وام به بازپرداخت وام در جایی که از پرداخت بدهی خود استنکاف کند، روبرو می شوند (مهرآرا و بهلولوند، ۱۳۹۵).

۸. الگوهای محاسبه ی گسترش اعتباری

الگوهای گسترش اعتباری اهمیت زیادی دارند چرا که بینش و دانش مورد نیاز را درباره ی ضررهای احتمالی دادن تسهیلات را تخمین و عرضه می کنند. الگوهای گسترش اعتباری با سنجش خطر می توانند پیوند منطقی میان خطر و بازده، خلق و قیمت گذاری صحیحی از دارایی ها را مهیا کنند که در ۲ سطح قابل انجام می باشد:

سنجش وام ها و مشتریان به شکل انفرادی

سنجش ریسک سبد سهام اعتباری تسهیلات

تعدادی از مهم ترین الگوهای اندازه گیری ریسک سبد سهام شامل:

۱- گسترش اعتباری ۲- رویکرد سبد سهام اعتباری ۳- سنجش ریسک و ۴- الگوی سنجش ریسک.

طی سالیان اخیر، برخی الگوهای نوین جهت الگو سازی گسترش اعتباری عرضه شده اند. در این بخش به بررسی الگوهای اصلی گسترش اعتباری سبد سهام می پردازیم. شیوه ی اندازه گیری این نوع ریسک بوسیله ی مورگان بر پایه ی آنالیز دگرگونی رتبه ی اعتباری پایه گذاری شده است.

بعداً ویلسون الگوی دگرگونی رتبه ی اعتباری را گسترش داد و الگوی رویکرد سبد سهام اعتباری را توصیه کرد که بر اساس آن احتمال نکول در یک چرخه ی اعتباری متحول می شود و پیرو پارامترهای بزرگ اقتصادی است و به فاصله کمی بعد از آن الگوی اندازه گیری ریسک از یک نگرش عظیم استفاده کرد که احتمال نکول هر بدهکار را به ارزش بازار دارایی های او مربوط می کند و سرانجام، بانک سرمایه گذاری الگوی گسترش اعتباری را در سال ۹۷ میلادی معرفی نمود که این الگو از لحاظ ریاضیات استفاده شه در آن بین الگوهای سبد سهام فعلی، بی همتا می باشد. یکی از علل عمده ی کامیابی الگوی گسترش اعتباری، تمرکز آن بر وقایع نکول می باشد (فلاح شمس و همکاران، ۱۳۹۷).

۹. مقیاس های تعیین کننده ی گسترش اعتباری در بانک ها

۴ مقیاس به شکل وسیع برای مشخص نمودن اندازه ی گسترش اعتباری برای بانک ها لحاظ می شود. (۱) نسبت دارایی های محقق نشده به کل وام ها و دارایی های استیجاری؛ دارایی های محقق نشده و دارایی های درآمدزایی مثل وام ها که سی و یک روز از سررسید آن گذشته باشد. (۲) نسبت خالص وام های سوخت شده به کل وام ها و دارایی های استیجاری؛ وام های سوخت شده وام هایی می باشد که امکان وصول آن برای بانک نیست و در واقع بی ارزش می باشند و بانک ها آن ها را از دفترهای خود حذف کرده اند. (۳) نسبت ذخیره

احتیاطی سالانه زبان وام ها به کل وام ها و دارایی های استیجاری و یا کل حقوق صاحبان سهام. ۴) نسبت ذخیره مطالبات مشکوک الوصول به کل وام ها و دارایی های استیجاری.

کم توجهی به گسترش اعتباری باعث کم شدن نقدینگی و سودآوری بانک ها می گردد. گسترش اعتباری از این حقیقت ناشی می شود که طرف قرارداد نتواند یا نخواهد به تعهداتش عمل کند. به روش سنتی، اثر این خطر با هزینه ی ریالی نشأت گرفته از نکول طرف قرارداد مورد سنجش قرار می گیرد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۴).

۱۰. تأثیر گسترش اعتباری، عملیاتی و نقدینگی بر اثربخشی سیستم بانکی ایران

بررسی در وضعیت دست یافتن زیاد ستانده از سرچشمه های کم، ذات علم اقتصاد می باشد و اختصاص بهینه سرچشمه های کم، هدف علم اقتصاد می باشد. اثربخشی هم در آسان ترین بیان، بیشتر کردن ستانده با توجه به نهاده مشخص در اندازه ی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان می باشد. از این جهت مطالعه درباره ی اثربخشی مثلاً در سطح بنگاه ها، از مهم ترین مولفه های مطالعه در بررسی های اقتصادی محسوب می شود. نوع فعالیت در سوی پیشرفت و ارتقای اثربخشی نظام بانکداری، باعث می شود که جریان پس انداز، سرمایه گذاری و اختصاص سرچشمه ها، ارتقا پیدا کند و ابزارهای نهفته و پراکنده در کشور به منظور ارتقا و آسایش همگانی، استفاده شود. از مهم ترین گفتگوها در صنعت بانکداری، بحث اثربخشی و ریسک است. هر کجا که آینده مبهم باشد، ریسک نیز موجود است. بنابراین، اشخاصی می توانند آینده ای مطمئن را برای خویش و نهاد خود درست کنند که توانایی برنامه ریزی و آنالیزهای درست، شناخت خویش را زیاد کنند. بنابر این، در حال حاضر هنگامی که درباره ی مدیریت خطر حرف می زنیم، هدف از بین بردن خطر نیست، بلکه تعیین هزینه های نشأت گرفته از آن می باشد. این در حالی می باشد که مدیریت خطر، خود به تنهایی مفهومی ندارد زیرا خطر، معیاری می باشد که قابلیت آن را دارد که بر سایر وضعیت های موسسه مثل سود، اثربخشی و غیره اثرگذار باشد (خوش سیما و شهیکی، ۱۳۹۱).

۱۱. کنوانسیون بازار برای گسترش اعتباری

گسترش های اعتباری هر روز توسط بانک های سرمایه گزاری اغلب به موسسات مالی خرید اوراق نقل می شوند. یک گسترش اعتباری چه چیزی است؟ از نظر یک امر معمولی، گسترش اعتباری که روزانه در بازار در مورد آن ها بحث می شود، شامل برآورد های ساده ای در مورد سهام تا سررسید و مفاهیم زمانی هستند. معمولاً مراحل زیر در روش متعارف بازار اعمال می شوند تا گسترش اعتباری در اوراق را به صورت لحظه ای و با توجه به منحنی بدون ریسک (فرضی)، مثل منحنی خزانه داری ایالات متحده، نقل کنند:

۱. نسبت سود به بها را در اوراق شرکت و با توجه به ارزش داده شده (قیمت به علاوه ی سود مربوطه) محاسبه کرده و همچنین تاریخ دقیق سررسید آن را ارزیابی کنید (دمیرویک و همکاران، ۲۰۱۵).

۲. نسبت سود به بها را در اوراق خزانه داری آمریکا «در حال انجام» و با نزدیک ترین تاریخ سررسید محاسبه کنید. این تاریخ سررسید هیچ گاه با تاریخ سررسید شرکت، یکسان نخواهد بود.

۳. گسترش اعتباری را با کم کردن نسبت سود به بهای بدون ریسک (تضمینی) از میزان سود به بهای شرکت، محاسبه کنید.

این کنوانسیون بازار ساده است اما به دلایل کاملاً شناخته شده ای، غلط است:

در محاسبه نسبت سود به بها فرض می شود که درصد سود پایان پرداز در هر تاریخ پرداخت اوراق قرضه داده شده، برای هر تاریخ پرداخت یکسان است - ضمناً فرض می شود که منحنی سود تضمینی هموار است؛ اما اگر در اوراق اعتباری ریسکی با دو تاریخ سررسید متفاوت،

گسترش اعتباری محاسبه شود، از یک منحنی تضمینی هموار دیگری برای محاسبه گسترش اعتباری در آن اوراق استفاده می شود؛ زیرا نسبت سود به بهای تضمینی برای آن دو اوراق متفاوت خواهد بود.

ضمناً در محاسبه نسبت سود به بها، بازه های زمانی یکسانی بین تاریخ های تاریخ های پرداخت فرض می شود (که هرگز در مورد تاریخ های پرداخت اوراق نیم ساله ای ایالات متحده، صادق نیست) (دمیرویک و همکاران، ۲۰۱۵).

تاریخ های سررسید در اوراق قرضه به طور دقیق باهم مطابقت ندارند، مگر به طور تصادفی.

تاریخ های پرداخت در اوراق قرضه به طور دقیق باهم مطابقت ندارند، مگر به طور تصادفی.

گسترش اعتباری پایان پرداز، بی بهره (هموار) فرض می شود.

تفاوت در سطوح برگه های اوراق نادیده گرفته می شود؛ در غیر این صورت می توانند به طور چشمگیری نسبت سود به بها و در نتیجه گسترش اعتباری را تحت تاثیر قرار دهند.

اغلب تفاوت زمان بندی در اطلاعات قیمت اوراق نادیده گرفته می شود. بسیاری از مطالعات دانشگاهی، گسترش های اعتباری را بر اساس قیمت های ماهانه اوراق محاسبه می کنند. از آنجا که زمان بندی دقیق اطلاعات قیمتی گذاری مشخص نیست، دانستن اینکه در کدام روز از ماه باید سطح منحنی سود تضمینی را تعیین کنیم، دشوار است.

اختیارات خرید یا عدم خرید سهام که در اوراق شرکت قرار داده شده اند، اغلب نادیده گرفته می شوند؛ زیرا نمی توان آن ها را مستقل از مدل اعتباری مورد نظر، محاسبه کرد. برای مثال، میزان زمان خرید یک اوراق که « ۱۰ سال، ۵ سال بدون خرید» است، به احتمال این موضوع بستگی دارد که صادرکننده در ۵ سال اول و قبل از گزینه خرید، نکول (قصور در پرداخت بدهی) کند.

کنوناسیون بازار برای متناسب کردن گسترش های اعتباری ساده است اما این مشکلات در مورد اصول و روش ها، مشکلات بسیار جدی هستند (دمیرویک و همکاران، ۲۰۱۵).

۱۲. نتیجه گیری

در این تحقیق گسترش اعتباری تعریف شد و سپس به اهمیت گسترش اعتباری پرداختیم و مراحل و شرایط گسترش اعتباری در جامعه اقتصادی و شرکت هارا بیان کردیم. علاوه بر آن تاثیران و نحوه تاثیر گسترش اعتباری بر متغیر های حسابداری مانده نقدینگی بررسی شد.

منابع و مراجع

- احدپور، احمد و غلامی جمکرانی، رضا (۱۳۹۴)، بررسی رابطه اطلاعات حسابداری و ریسک بازار (شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره دوم، صص ۱۸-۳۰.
- احمدپور، احمد و هادیان، سید امین (۱۳۹۴)، بررسی تغییرات مربوط بودن اطلاعات حسابداری، بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
- احمدی، علی؛ احمدی جشفقانی، حسین علی و ابوالحسنی هستیانی، اصغر (۱۳۹۴)، تأثیر گسترش اعتباری بر عملکرد نظام بانکی ایران: مطالعه بین بانکی با رویکرد PANEL VAR، فصلنامه اقتصاد مالی و توسعه، سال ۱۰، شماره ۳۴، صص ۱۵۲-۱۳۱.

- اردکانی، سید سعید؛ فرهادی پور، محمد رضا و جعفری ندوشن، محمد رضا (۱۳۹۳)، بررسی ارتباط بین ریسک نقدینگی معیار پوشش تقاضا و گسترش اعتباری بانک‌ها، فصلنامه توسعه مدیریت پولی و بانکی، سال دوم، شماره ۳.
- اسماعیلی، محمد امین و محمد خان، مرتضی (۱۳۸۷)، طراحی مدل ارزیابی گسترش اعتباری مشتریان بانک با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک، ششمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع.
- اصلی، شعله، (۱۳۹۰). مدیریت گسترش اعتباری با نگاهی برالگوی پرداخت تسهیلات در سایر کشورها، تهران: اداره تحقیقات و کنترل ریسک بانک سپه ایران، صص ۳۴-۱.
- امینی، مرتضی (۱۳۸۷)، ریسک نقدینگی.
- بادآور نهندي، یونس؛ قادری، صلاح الدین و بهشتی نهندي، رضا (۱۳۹۲)، تأثیر شفافیت اطلاعات حسابداری بر ناکارایی سرمایه گذاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست و یکم، شماره ۶۸، صص ۸۲-۶۵.
- بهرامفر، نقی؛ ساعی، محمدجواد. (۱۳۸۴). ارائه مدل برای پیش‌بینی عملکرد (مالی و بازرگانی) شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از اطلاعات مالی منتشره. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۳، شماره ۴۳، صص ۷۰-۴۵.
- پهلوانزاده، مسعود (۱۳۸۸)، مروری بر رویکردهای جدید نسبت کفایت سرمایه در بانکها براساس بیانیه دوم کمیته مقررات و نظارت بانکی بازل.
- حاجیه‌ها، زهره و بخشی، نیره (۱۳۹۶)، بررسی رابطه اطلاعات حسابداری و گسترش اعتباری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات حسابداری و حسابرسی، شماره ۲۴، صص ۶۸-۵۳.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
- خوانساری، رسول و فلاح شمس، میر فیض (۱۳۸۸)، ارزیابی کاربرد مدل ساختاری KMV در پیش‌بینی نکول شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله تحقیقات مالی، دوره ۱۱، شماره ۲۸، صص ۶۸-۴۹.
- خوش‌سیمما، رضا و شهیکی تاش، محمد نبی (۱۳۹۱)، تأثیر گسترش اعتباری، عملیاتی و نقدینگی بر کارایی نظام بانکی ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه ریزی و بودجه، سال هفدهم، شماره ۴، صص ۹۵-۶۹.
- دهقان، عبدالمجید؛ فرهادی شریف‌آباد، محسن و فهیمی، علیرضا (۱۳۹۸)، بررسی ارتباط گسترش اعتباری بانک‌ها و ریسک و بازده سهام آن‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، سال هشتم، شماره بیست و نهم، صص ۲۵۶-۲۴۱.
- دیناشی، زهره (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین گسترش اعتباری و ریسک نقدینگی با سودآوری بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی.
- شریفی، مریم و فغانی ماکرانی، خسرو (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین ریسک نقدینگی و گسترش اعتباری در بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، چهارمین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری.
- شعری، صابر و نادری، محمد مهدی (۱۳۸۳)، بررسی ارتباط عوامل کلان اقتصادی و گسترش اعتباری بانک‌ها، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال چهارم، شماره ۸۹.
- شمس قارنه، ناصر؛ جنتی، سیما (۱۳۹۱). ارائه مدلی پویا جهت پیش‌بینی نرخ نکول شرکت‌های لیست شده در بورس ایران (مطالعه موردی: صنعت ساخت محصولات فلزی). مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۲۰-۱.
- شیوا، رضا و میکائل پور، حسین (۱۳۸۲)، مدیریت ریسک درحوزه بانکداری، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات چهارمین همایش بانکداری اسلامی، تهران، موسسه عالی بانکداری ایران، چاپ اول، صص ۱۹۵.
- فردوسی، مهدی و فطرس، محمد حسن (۱۳۹۶)، اثرات گسترش اعتباری و ریسک نقدینگی بر عملکرد بانک‌ها، مدل‌سازی ریسک و مهندسی مالی، دوره ۲، شماره ۱، صص ۴۱-۲۲.
- فلاح شمس، میرفیض و همکاران، (۱۳۹۷)، مدیریت گسترش اعتباری در بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری، تهران: انتشارات دانشکده علوم اقتصادی تهران، صص ۱۴۷.

- قائمی، محمدحسین و وطن پرست، محمدرضا (۱۳۹۴)، بررسی نقش اطلاعات حسابداری در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی های حسابداری و حسابرسی سال دوازدهم شماره ۴۱، صص ۱۰۳-۸۵.
- Al-Wesabi, Hamid A.H & Nor Hayati, Ahmad (۲۰۱۷), credit spread of Islamic banks in GCC countries, International Journal of Banking and Finance, Vol. ۱۰, N ۲.
- Ameni Ghenimi, Hasna Chaibi, Mohamed Ali Brahim Omri (۲۰۱۸), The effects of liquidity risk and credit spread on bank stability: Evidence from the MENA region, Borsa _Istanbul Review, Vol. ۱۱.
- Baeho Kim, Dongheon Shin, (۲۰۱۵), Liquidity and credit spread before and after the global financial crisis: Evidence from the Korean corporate bond market, Journal of Finance, Vol. ۳۳, Pages ۶۱-۳۸.
- Basel Committee on Banking Supervision (۱۹۹۹), Principles for the Management of credit spread, Bank for International Settlements.
- Chamberlain, Trevor W & et al (۲۰۱۹), credit spread in Islamic and Conventional Banking; International Atlantic Economic Society, V ۲۴.
- Chen, K. and Pan, C (۲۰۱۲), An Empirical Study of credit spread Efficiency of Banking Industry in Taiwan, Web Journal of Chinese Management Review, ۱۵(۱), ۱۶-۱.
- Christoph, J (۲۰۰۴), Express Credit And Bank fault Risk An Application Of Default Predictions Models To Banks From Emerging Market Economics, International Conference On Emerging Market And Global Risk Management, University Of Westminster, London, UK.
- Cuouhy, Michel; Mank, Robert and Dan Galai (۲۰۰۰), Risk Management, Ny: MC Grawhill.
- Demirovic, Jon Tucker, Cherif Guermat (۲۰۱۵). Accounting data and the credit spread: An empirical investigation. Research in International Business and Finance, ۳۴, Pages ۲۵۰-۲۳۳.
- Deuskar, P (۲۰۰۶), Extrapolative expectations: implications for volatility and liquidity, AFA ۲۰۰۷ Chicago Meetings Paper.
- Diamond, D., & Verrecchia R. (۲۰۱۱). Disclosure, liquidity and the cost of equity capital. The journal of finance, September, PP. ۱۳۶۰-۱۳۳۵.
- Doumpos, M. Nikilis, D. Zopounidis, C. Andriosopulos, K. (۲۰۱۴). Combining accounting data and a structural model for predicting credit ratings: Empirical evidence from European listed firms. Journal of Banking & Finance, ۵۰, ۶۰۷-۵۹۹.